

تفاوت رئالیسم اروپایی با واقع گرایی ایرانی

ملیحه جعفری لنگرودی^۱



چکیده

در تمامی جوامع، وجود انسانهای واقع گرای دلسوز و آگاه ضروری بوده؛ می‌طلبند تا از وقایع موجود در جامعه پرده برداری کنند. پرده برداران از واقعیت‌های جامعه، در اصطلاح ادب اروپایی رئالیست نامیده می‌شوند که از روش واقع گرایی در آثار خویش بهره برده مشکلات جامعه را آشکار می‌سازند.

از آنجا که دلایل مختلف اجتماعی و علمی و فلسفی در اروپای قرن هیجدهم عامل ایجاد تحول مکتب از رمانتیسم به رئالیسم گردیده است، در ایران نیز به دلیل وجود شرایط خاص اجتماعی مشروطه، واقع نگاری و توجه به مسائل اجتماعی، خاصه در حوزه‌ی رمان مطرح می‌شود.

اما در ایران، عوامل اجتماعی و فرهنگی ایجاد مکتب واقع گرایی عبارتست از:

مشروطه و تفکرات مشروطه خواهان، انقلاب سوسیالیستی شوروی، حرکت روشنفکران چپی ایران، رویارویی با اروپا و تمدن غرب از طریق ترجمه، اعزام دانشجوی و چاپ، جنگ‌های جهانی و آزادی خواهی‌ها و ملی شدن صنعت نفت و...

در مقاله‌ی حاضر با توجه به عنوان مورد نظر به بررسی مکتب رئالیسم اروپایی و تفاوت آن با رئالیسم ایرانی پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: واقع گرایی - اصالت ماهیت - حوزه‌ی رمان - برون گرایی یا عینیت - جامعه گرایی

مقدمه

در هر برهه‌ای بزرگان و روشنفکران زمان درصدد یافتن راه حلی نو برای حل مسایل و پیچیدگی‌های دنیای خویشند تا خود و دیگران را از تنگناهای موجود زمان خویش برهانند.

از این رو، در قرنهای ۱۶ تا ۱۹ میلادی مکتب‌های ادبی مختلفی توسط گروهی از روشنفکران در اروپا به وجود آمدند که از عوامل مهم آن صنعتی شدن جامعه بود. رئالیسم یکی از این مکتب‌هاست که در قرن هجدهم آشکار شد. این مکتب را عکس‌العمل در برابر مکتب رمانتیسم یعنی مکتب تخیل‌گرایی پیشین دانسته‌اند و از اصول آن واقع‌گرایی، جامعه‌گرایی و توجه به حوزه‌ی رمان است. بزرگترین فرد پیشگام در این مکتب بالزاک از کشور فرانسه است که «اجتماع خود را با همه‌ی مشخصات و اسرار و صفات و عادات، نیکی و بدی‌هایش نشان داد.» (سید حسینی، ۱۳۸۴: ص ۱۴۴) البته ایجاد هر مکتب به عوامل مختلفی بستگی دارد که در باب این مکتب دو عامل اجتماعی و علمی - فلسفی تأثیر مهمی داشته است. وجود فقر و بدبختی و فحشا و غیره از مسایل مهم اجتماعی عامل ایجاد مکتب بوده، مسایل علمی و فلسفی و بحث از اصالت ماهیت نیز عامل دیگر پیدایش آن گردید.

گفته‌اند این مکتب «نخست در عرصه‌ی ادبیات صورت‌نگرفت بلکه این نبرد در میدان نقاشی به وقوع پیوست.» (سید حسینی، ۱۳۸۴: ص ۲۷۳) و بعدها در حوزه‌ی رمان و داستان وارد شد.

رئالیسم بعدها کم‌کم توسط طرفداران مکتب ناتورالیسم و سوررئالیسم به سمت علمی‌گرایی محض رفت و از رونق افتاد. اما هنوز این مکتب در جهان طرفداران خاص خود را دارد.

از طرفی این مکتب در ایران بر اثر تحولات اجتماعی و فرهنگی خاصی به وجود

آمد که عبارتند از:

انقلاب مشروطیت و تفکرات خاص مشروطه خواهان، یأس امیدی از به ثمر نرسیدن انقلاب، اصلاحات ارضی، روی کار آمدن طبقه‌ی بورژوا و از بین رفتن حکومت خانها، بازگشت به زندگی ساده‌ی روستایی، بحرانهای سیاسی و اجتماعی روشنفکری، فساد سیاسی و اداری و ناامنی‌های اجتماعی، برخورد جامعه‌ی سنتی ایران با اروپا، آزادی موقت مردم بعد از حکومت رضاخان تا پایان دوره‌ی دکتر مصدق، انقلاب سوسیالیستی شوروی، به حرکت در آمدن روشنفکران چپی ایران، جنگ‌های جهانی، آزادی خواهی در ایران و جهان، اعتصاب کارگران، ملی شدن صنعت نفت و مهمتر از همه رویارویی با تمدن اروپا.

به هر حال مکتب واقع گرایی در ایران صد در صد خالص نیست؛ چون در اثر آشنایی با رئالیسم اروپایی به وجود آمد. از ویژگیهای مهم رئالیسم ایرانی توجه به زبان محاوره و ادبیات محلی و بومی و صنفی، ادبیات کارگری حتی در عرصه‌ی شعر و بیان عدالت خواهی و ظلم ستیزی و تقلید از غرب در جنب انقلاب مشروطیت است. می‌توان گفت اگر چه بعضی از نویسندگان ایران خود به نگارش واقعیت علاقه مند بوده‌اند اما رواج این مکتب در اروپا بر نویسندگان سایر کشورها از جمله ایران تأثیر خود را نهاد. در نهایت می‌توان گفت هدف نویسنده‌ی رئالیست بیان واقعیت آنگونه که هست می‌باشد و برون گرایی و عینیت کار اوست. راوی وقایع، در این مکتب زشت و زیبا را در کنار هم می‌بیند و برای از بین بردن زشتی‌ها آنها را افشا می‌کند و این نشانه‌ی تعهد و دلسوزی نویسنده‌ی رئالیست است. در ایران نیز نویسندگانی از این دست وجود دارند که در مقاله‌ی مورد نظر معرفی خواهند شد.

تعریف رئالیسم

رئالیسم یا واقع گرایی از ریشه‌ی لاتینی Real به معنای واقعیت، واقع گرایی و از ریشه‌ی res به معنای چیز، شیء یا چیز گرایی گرفته شده است. (گرانت، ۱۳۷۹: ص ۵۶) در اصل «رئالیسم یا واقع پردازی، واقع گرایی در حوزه‌ی ادبیات، مکتبی، یا به عبارت دقیق تر برداشتی است که در آن کوشش نویسنده یا گوینده بر آن است تا زندگی را بدون کمال بخشیدن و دادن جنبه شاعرانه‌ی ذهنی به آن توصیف کند.» (شریفی، ۱۳۸۸: ص ۶۷۱)

بنابراین «جوهر واقع گرایی عبارتست از تحلیل اجتماعی، مطالعه و تجسم زندگی انسان در جامعه، مطالعه و تجسم روابط اجتماعی، روابط بین فرد و جامعه و ساختمان خود جامعه.» (رافائل، بی تا: ص ۲۱) به عبارتی دیگر، «رئالیسم تعبیر فلسفی دیرپایی است که معنای آن اعتقاد به واقعیت اندیشه‌ها بود» (ولک، ۱۳۷۷: ص ۱۱) در اینجا اصل عمده‌ی طبیعت گرایی مطرح می‌شود. «اصل عمده‌ی طبیعت گرایی «عین نمایی» است و هدف آن نیز ارائه‌ی تصویری است زنده نما از واقعیت» (رافائل، بی تا: ص ۱۹۵) پس «قلمرو اصلی کاربرد آن (رئالیسم) در فلسفه بوده است در واقع این لغت از فلسفه وارد ادبیات و نقد ادبی شده است.» (زرشناس، ۱۳۸۹: ص ۵۶) بنابراین «معنای رئالیسم همان است که اخیراً در اصطلاح فلسفی به کار برده می‌شود یعنی اصالت واقعیت خارجی و در این معنا رئالیسم فقط در مقابل ایدئالیسم که به معنای اصالت ذهن یا تصور است قرار می‌گیرد... سبک رئالیسم یعنی سبک گفتن یا نوشتن متکی بر نمودهای واقعی و اجتماعی» (شریفی سبزواری، ۱۳۸۱: ص ۱۰۶) با این چنین دید گاهی «رئالیسم نیز پس از یک دوره‌ی نسبتاً طولانی دفاع از نوامیس جامعه با تکیه بر «وجود موجود» در پی «بحران اعتماد به روایت علم از واقعیت که در اواخر قرن نوزدهم رخ داد، بی اعتبار شد» (میترا، ۱۳۵۳: ص ۵۶) و «تأکید بیش از حد به مشاهده

و تجربه آرام آرام رئالیسم را به افراطی گری ناتورالیسم کشاند» (ثروت، ۱۳۸۷: ص ۱۲۰).
«در انگلستان این مکتب از فلسفه‌ی اسپنسر و جان استوارت میل، مایه‌ی حیاتی
می‌گرفت و در فرانسه از فلسفه‌ی آگوست کنت. در این مکتب نویسنده از بازی با
احساسات خود و خواننده خودداری می‌کند و می‌گذارد تا واقعیت خودش به زبان
بیاید. به جای آنکه دست به مکاشفه و ابداع بزند به مشاهده می‌پردازد و «بررسی»
(زرین کوب، ۲۵۳۵: ص ۲۴۸)

اما صحبت از واقعیت همواره با انسان همراه بوده است. از اینرو کسانی که برای
کلی واقعیت مستقل از افراد قائل بودند «رئالیست» یا «واقعین» می‌گفتند. و کسانی
که هیچ نحو وجودی برای کلی، نه در خارج نه در ذهن قائل نبودند و کلی را فقط
لفظ خالی می‌دانستند «نومینالیست» یا «اسمیون» می‌گفتند. دسته‌ی سومی نیز بودند
که برای کلی، وجود ذهنی و وجود خارجی در ضمن افراد قائل بودند و آن‌ها را
«ایدئالیست» یا «تصورین» می‌گفتند. (شریفی سبزواری، ۱۳۸۱: ص ۱۰۵)
نویسنده‌ی رئالیست در حقیقت تاریخ اجتماعی مردم جامعه‌ی خود را می‌نگارد،
مشروط بر آن که زوایای روشن و تاریک آن را رقم بزند نه فقط به زوایای تاریک آن
بپردازد. (تقریر استاد دکتر ذاکری)

تاریخچه‌ی رئالیسم در اروپا

رئالیسم در اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ مرکزیت و محوریت خاصی یافت که
منجر به ایجاد سبک یا مکتبی با عنوان رئالیزم شد و غرب زادگاه این مکتب گردید.
به هر حال امروزه رئالیسم به معنای مکتبی است که در مقابل مکتب ایده - آلیسم قرار
می‌گیرد. «در ادبیات نیز سبک رئالیسم در مقابل سبک ایده آلیسم است. سبک رئالیسم
یعنی سبک گفتن یا نوشتن متکی بر نمودهای واقعی اجتماعی و اما سبک ایده آلیسم

عبارت است از سبک متکی به تخیلات شاعرانه‌ی گوینده یا نویسنده. (طباطبایی، بی تا: ص ۲۶) پس «رنالیسم به عنوان مکتبی ادبی، نهضتی بوده است که از اواسط قرن نوزدهم در اعتراض به مکتب رمانتیک در فرانسه، انگلستان و آمریکا پدید آمد.» (داد، ۱۳۸۰: ص ۱۵۵) به هررو بعضی از نویسندگان بر آن شدند تا بتوانند نظام اجتماعی خود را تغییر دهند «در این زمان بالزاک با نوشتن دوره‌ی آثار خود تحت عنوان «کمدی انسانی» قدم تازه‌ای در عالم ادب برداشت و با اینکه قصد تشکیل مکتب نداشت و تئوری نویس نبود پیشوای مسلم نویسندگان رنالیست شد.» (سید حسینی، ۱۳۸۴: ص ۲۷۱) او «در آغاز سال ۱۸۳۰ مجموعه‌ی شش داستان کوتاه به نام «صحنه‌ی از زندگی خصوصی» را منتشر کرد که بیش از پیش او را به شهرت رساند. بالزاک در مقدمه‌ی این مجموعه مکتب رومانسیسم را کهنه و فرسوده خواند و خود را مورخ آداب و رسوم زمان معرفی کرد.» (خانلری، ۱۳۷۵: ص ۱۸۳) «بالزاک در واقع پیشوای بزرگ نویسندگان رنالیست به شمار می‌آید. او پیروزی واقعیت را بر رؤیا اعلام کرد.» (خانلری، ۱۳۷۵: ص ۱۸۶ و ۱۸۷)

بالزاک این برجسته‌ترین چهره در ادبیات رنالیستی فرانسه «نخستین اثر رنالیستی خود به نام «شوان‌ها» را به سال ۱۸۲۹ منتشر کرد.» (زرشناس، ۱۳۸۹: ص ۷۶) بنابراین در تاریخ واقعی این مکتب می‌توان گفت: رنالیسم ادبی آغازین یا رنالیسم کلاسیک که «به عنوان یک جریان در ادبیات غرب از حدود دهه‌ی ۱۸۳۰ آغاز می‌شود... اما سال‌های اوج رنالیسم کلاسیک را می‌توان سالهای دهه‌ی ۱۸۵۰ تا ۱۸۹۰ دانست اما «شان فلوری و پیرو او دورانتی که به مخالفت با رمانتیسم پرداخته بودند صحنه‌هایی از زندگی خورده بورژوازی‌ها و مردم عادی را انتخاب کردند و در آثار خود توصیف نمودند.» (سید حسینی، ۱۳۸۴: ص ۲۷۴)

«طرفه آنست که مکتب واقع‌گرایی ادبی (Realism) در عمل پیش از آنکه به

عصر انتقادی است در برابر برتری حساسیت ذهن و نیروی تخیل (ایده آلیسم و رمانتیسم) با سلاح آگاهی روشن بینانه به مقابله بر می خیزد.» (سید حسینی، ۱۳۸۴: ص ۲۷۷) البته «نمی توان رومانتیسم و رئالیسم را به عنوان دو مکتب غیر واقعی و واقعی در برابر هم قرار داد رومانتیسم جهان محسوس را کشف کرده است و در واقع سر آغازی برای رئالیسم است» (همان، ۱۳۸۴: ص ۲۷۸) همچنین، رومانتیسم مکتبی ذهنی یا درونی است «و حال آنکه رئالیسم مکتبی عینی یا بیرونی است و نویسنده‌ی رئالیست هنگام آفریدن اثر بیشتر تماشاگراست و افکار و احساسات خود را در جریان داستان ظاهر نمی سازد.» (همان، ۱۳۸۴: ص ۲۸۷)

عامل مهم پیدایش رئالیسم «در وهله‌ی نخست عکس العملی بود که بر ضد جریان «هنر برای هنر» به وجود آمد» (سید حسینی، ۱۳۸۴: ص ۲۷۳) اما «نویسندگان رالیست به دو دسته تقسیم شدند: یک دسته عقیده داشتند که هنر شرافت و اهمیت ذاتی دارد و بنابراین نفس هنر مطلوب است و آنان طرفداران «هنر برای هنر» نامیده شدند و دسته‌ی دیگر معتقد بودند که هنر وسیله‌ی استفاده در رسیدن به مطلوب دیگر است و اینان معتقدان «هنر برای فایده» نامیده شدند.» (سجادی، بی تا: ص ۶۱)

«اما نبرد رئالیسم نخست در عرصه‌ی ادبیات صورت نگرفت بلکه این نبرد در میدان نقاشی به وقوع پیوست.» (سید حسینی، ۱۳۸۴: ص ۲۷۳) در این خصوص «کوره نقاش فرانسوی نخستین هنرمندی بود که در هنر نقاشی تحت تأثیر گرایشهای آن روز قرار گرفت. او که رهبر نهضت هنری رئالیسم در قرن ۱۹ م. بود از هنرمندان رئالیست خواست تا احساسات خود را پس از دقت و تحلیل جزئیات جامعه‌ی خویش تصویر کنند.» (غینمی، ۱۳۷۳: ص ۵۱۲)

گوستاو کوربه «هدف هنر برای هنر را پوچ و بیهوده می دانست» (سید حسینی، ۱۳۸۴: ص ۱۴۸) شاید این موضوع به اصل اولیه‌ی برگردد که مردم آغازین برای نشان

و روحی ناشی از آن را نیازموده است.» (لوکاچ، ۱۳۷۳: ص ۱۵ و ۱۶)
 در این مکتب کار نویسنده‌ی رئالیست مانند یک مورخ است با این تفاوت که عادات و اخلاق مردم اجتماع خود را بیان میکند. پس هدف حقیقی رئالیست تشخیص تأثیر محیط و اجتماع در واقعیت‌های زندگی و تحلیل و شناساندن دقیق تیپ‌هایی است که در اجتماع معینی به وجود آمده اند.

حوزه‌های ادبی رئالیسم (رمان و نقاشی)

بعد از مطرح شدن فلسفه‌ی رئالیسم و اصالت وجود در فلسفه و اصالت ماهیت در رئالیسم، رئالیسم وارد عرصه‌ی ادبیات شد و در حوزه‌های شعر و نمایشنامه و به ویژه رمان خود نمایی کرد. در ادبیات غرب «چه از نظر کیفی و چه از نظر کمی رمان در درجه‌ی اول اهمیت قرار دارد.» (سید حسینی، ۱۳۸۴: ص ۲۷۷)

چنانچه می‌دانیم رمانتیسیم دوره‌ی شعر و خیال بود و عصر رئالیست چون انتقادی است با خیال سازگاری ندارد و با مشاهده و دیدن، جزئیات را تشریح و بیان می‌کند. پس بهترین وسیله‌ی بیان واقعیت، رمان خواهد بود. البته در حوزه‌ی شعر نیز رئالیسم می‌تواند ظهور کند اما «یکی از ویژگیهای شعر بزرگ و یکی از جنبه‌های ذاتی شعر بزرگ این است که از راه رئالیسم به سمبولیسم دست می‌یابد.» (کاخی، ۱۳۸۲: ص ۴۶۳)

مشخصات مکتب رئالیسم

- ۱) موضوع داستانها مسایل مربوط به بیشتر مردم است مانند: فقر و بدبختی، بیماری و دوستی و دشمنی، حسد و رنج و... پس موضوع عشق را محور اصلی داستان قرار دادن بیهوده است چون مطالب دیگری غیر از عشق نیز هست.
- ۲) قهرمانان این موضوع نوع داستانها از هر طبقه‌ای هستند و تیپ سازی لازم نیست.

۳) توجه به جزئیات برای رسیدن به حقیقت مهم است.

۴) تحقیق و پژوهش و رسیدن به عمق وقایع و مشاهده و کنجکاوی و تجربه در

این سبک ضروری است.» (وزین پور، ۱۳۸۰: ۲۸۶)

نقد رئالیسم

بزرگترین نقد بر رئالیسم چه نوع اروپایی و چه نوع ایرانی آن این است که فقط به جنبه‌های منفی جامعه می پردازد و اینگونه نقد به معنی واقعی رئالیسم و نقد منصفانه آسیب می رساند.

به قول حافظ:

«عیب می جمله بگفتی هنرش نیز بگوی نفی حکمت مکن از بهر دل عامی چند»

(تقریرات استاد دکتر ذاکری)

اقسام رئالیسم

گونه‌های اقسام رئالیسم ادبی را چنین ذکر کرده اند: ۱- رئالیسم ادبی آغازین
۲- رئالیسم سوسیالیستی ۳- نئورئالیسم. اینک به توضیح مختصر این سه مورد می پردازیم:

۱- رئالیسم ادبی آغازین یا رئالیسم کلاسیک: که «به عنوان یک جریان در ادبیات غرب از حدود دهه ی ۱۸۳۰ آغاز می شود... اما سال‌های اوج رئالیسم کلاسیک را می توان سالهای دهه ی ۱۸۵۰ تا ۱۸۹۰ دانست... نویسندگانی چون انوره بالزاک، چارلز دیکنز، آنری بل استاندال و لئون تولستوی از نام آوران این عرصه هستند.» (زرشناس، ۱۳۸۹: ص ۶۸)

۲- رئالیسم سوسیالیستی: «یکی از صور ادبی که در قرن بیستم در شوروی و در

پی انقلاب اکتبر (۱۹۱۷) پدید آمد... ومدعی است که افزون بر پذیرش اصول و مبانی رئالیسم کلاسیک تغییرات و تحولاتی را در آن پدید آورده است... از نویسندگانی چون فادایف، شولوخوف، الکسی تولستوی، ایلیارنبرگ به عنوان چهره‌های معروف رئالیسم سوسیالیستی نام برده می‌شود.» (همان، ۱۳۸۹: ص ۶۹)

۳- نئورئالیسم: «این جریان از سالهای دهه‌ی ۱۹۴۰ به تدریج رشد کرد... «نئورئالیسم» ادبی در واقع تلاشی است جهت احیا و حفظ صورت رئالیستی ادبیات داستانی که از اواخر قرن نوزدهم و به ویژه دهه‌های آغازین قرن بیستم طریق زوال و انحطاط را می‌پیمود... از نویسندگان این سبک از قرن بیستم می‌توان از فرانسوا ساگان، فرانسوا موریاک، هایزیش بل، جان اشتاین بک و میلان کوندرا نام برد.» (همان، ۱۳۸۹: ص ۷۳ تا ۷۵)

در تقسیم بندی دیگر رئالیسم را به (۱) رئالیسم بورژوا رایج در آلمان (۲) رئالیسم روسی (۳) رئالیسم جادویی مختص جهان سوم تقسیم کرده اند. رئالیسم روسی، خود به سه نوع: (۱) رئالیسم نخستین (۲) انتقادی و (۳) سوسیالیستی تقسیم شده است که شرح آن گذشت.

همچنانکه گفته شد از انواع رئالیسم، رئالیسم جادویی است «در سالهای اخیر نویسندگان آمریکای لاتین شیوه‌ی تخیل دیگری را در داستان نوین مطرح کردند و به فضاهایی سخت جذاب و جادویی دست یافتند. به این شیوه رئالیسم جادویی گویند. یکی از معروف ترین نویسندگان این شیوه گابریل گارسیا مارکز است که آثار او از قبیل «صد سال تنهایی» به فارسی ترجمه شده است.» (شمیسا، ۱۳۸۰: ص ۱۵۵)

پیشوایان مکتب رئالیسم در اروپا

با توجه به آنکه رئالیسم در کشور فرانسه رواج یافت «بالزاک پیشوای مسلم

آن «ادبیات زندان» را در این مرز و بوم پایه گذاری کرد.» (همان، ۱۳۸۰: ص ۱۲۳) گفته می‌شود: «اولین نمونه‌ی رمان اجتماعی در سالهای ۱۳۰۰ شمسی پدید می‌آیند. نویسندگان این رمان‌ها با توصیف فحشا، فساد سیاسی و اداری و ناامنی‌های اجتماعی سال‌های پس از مشروطیت یأس عمومی از به نتیجه رسیدن انقلاب را منعکس می‌کنند.» (همان، ۱۳۸۰: ص ۵۳)

بنابراین «پیدایش رمان ایرانی محصول تفکرات مشروطه خواهان است. هر مرحله‌ی تازه تاریخی شکل‌های بیانی جدید و مورد نیاز خود را می‌طلبد.» (همان، ۱۳۸۰: ص ۲۱) از این رو «رویارویی با اروپا اصلی‌ترین مسأله‌ی فرهنگی در دوره‌ی مشروطه است و برخورد جامعه‌ی سنتی ایران با تمدن اروپا سبب بیداری فکری روشنفکران و اتخاذ نگرش تازه به سیاست و فرهنگ می‌شود.» (همان، ۱۳۸۰: ص ۱۸) به هر حال «با توجه به رمان‌ها و داستان‌های فراوانی که در ادبیات مغرب زمین و به تقلید آنان بعد از مشروطه در ایران نوشته شده است» (فرزاد، ۱۳۷۶: ص ۱۳۲) تقلید ادبیات ایران از مغرب زمین کاملاً مشهود است و ناخالصی و ترکیبی بودن آن مطرح می‌گردد.

نکته‌ی قابل ذکر آن که «نویسندگان و شاعران کهن رئالیست بودند؛ یعنی اشیاء و امور را بدان گونه که می‌دیدند وصف می‌کردند با این تفاوت که در رئالیسم قدیم کلیات و خصایص اصلی و مشترک توصیف می‌شد و حال آنکه در شیوه‌ی جدید رئالیسم به وصف جزئیات پرداخته می‌گردد. همچنین در ادبیات قدیم هر کس لایق آن نبود که قهرمان ادبیات واقع گردد و حال آنکه در مکتب جدید رئالیسم نویسنده به «ایده آل» کاری ندارد و طبیعت را آن گونه که هست توصیف می‌کند.» (حسینی، ۱۳۸۶: ص ۱۲)

به این سبب پایین‌ترین قشر در رئالیسم جدید مورد توجه قرار می‌گیرد و قهرمان

ورق پاره‌های زندان و پنجاه و سه نفر آن را به نمایش گذاشت. در واقع «علوی کتاب پنجاه و سه نفر و ورق پاره‌های زندان را تحت تأثیر تجربه‌ی همین حکومت نوشت و پس از سقوط رضا شاه با نشر آن «ادبیات زندان» را در این مرز و بوم پایه گذاری کرد.» (همان، ۱۳۸۰: ص ۱۲۳)

همچنین انقلاب سوسیالیستی شوروی تأثیر خود را نهاد و روشنفکران چپی ایرانی را به حرکت درآورد و نویسندگانی را در این زمینه فعال ساخت. افرادی چون: جلال آل احمد، غلامحسین ساعدی از این گروه به شمار می‌آیند. نیز صادق هدایت با تبلیغ علیه دین آثاری را خلق کرد.

در اصل عواملی چون جنگهای جهانی، آزادی خواهی در ایران و دنیا، اعتصاب کارگران، ملی شدن صنعت نفت، فضا را جهت پیدایش نویسندگانی با افکار رئالیستی باز کرد. مثلاً «یکی بود یکی نبود، حسب حال جامعه‌ی ایران در دوره‌ی مشروطیت است.» (پارسی نژاد، ۱۳۸۲: ص ۶۱)

پیشوایان رئالیسم ایرانی

بزرگان رئالیست ایرانی چون علی اکبر دهخدا، محمد علی جمال زاده، صادق هدایت از معروفان و پیشگامان این سبک محسوب می‌شوند. همچنین آقایان دولت آبادی، بزرگ علوی، جلال آل احمد، علی محمد افغانی، غلامحسین ساعدی، احمد محمود، جعفر شهری و محمد حجازی در این عرصه آثاری از خود ارایه کرده اند. جز محمد حجازی که دیدگاه واقعی وی، شادی و رفاه و سپید است، نامبردگان دیگر درد و رنج و آلام و مصائب جامعه را دیده بازگو کرده اند. از جمله داستانهای رئالیستی معروف: «داستان «داش آکل» اثر «صادق هدایت» و داستان «انتری که لوطی اش مرده بود» اثر «صادق چوبک» از نمونه‌های خوب این مکتب در زبان فارسی است.» (حسینی،

تفاوت‌های رئالیسم ایرانی با اروپایی

-در رئالیسم ایرانی خلاف رئالیسم اروپایی از زبان محاوره یا شکسته استفاده می‌شود، چرا که اکثریت مردم از طبقه‌ی فقرا و بی‌سوادان هستند. «از اولین نویسندگانی که از زبان محاوره و ضرب‌المثل‌های مرسوم استفاده می‌کنند دهخدا و جمال زاده و هدایت را باید نام برد» (همان، ۱۳۸۶: ص ۲۶۲)

اصولاً «گفت و گو نویسی ابتدا با «چرند و پرند» دهخدا آغاز می‌شود و با «یکی بود یکی نبود» جمال زاده راه می‌سپرد.» ۳ (همان، ۱۳۸۶: ص ۲۶۲) او «به جز قصه‌ی «درددل ملا قربانعلی» در دیگر آثارش به شکل خام و دم دستی زبانی استفاده می‌کند» (پارسی نژاد، ۱۳۸۲: ص ۱۱۲) صادق هدایت نیز راه جمال زاده را ادامه می‌دهد و زبان مردم کوچه و بازار را وارد ساخت صحنه‌هایش می‌کند» (همان، ۱۳۸۲: ص ۱۱۲) بنابراین «دهخدا در کتاب چرند و پرند و جمال زاده در یکی بود یکی نبود، زبان نوشتن را به نثر گفتاری یا محاوره‌ای نزدیک کردند. در واقع بر خلاف گفته‌ی شایع، آن‌ها نثر گفتاری یا محاوره‌ای را به وجود نیاوردند بلکه تحت شیوه‌ی بیان قصه‌ها شیوه‌ی نگارش خود را برگزیدند.» (میر صادقی، ۱۳۸۲: ص ۲۱)

نکته‌ی مهم آن است که «جمال زاده بعد از دهخدا اولین نویسنده‌ای بود که راه تازه‌ای در شیوه‌ی نگارش گشود. داستان‌های خود را با زبان گفتاری نوشت. پیش از او دهخدا در قطعه‌های روایتی و هجو کننده‌ی کتاب «چرند و پرند» چنین زبانی را به کار گرفته بود.» (میر صادقی، ۱۳۸۲: ص ۳۰)

-در دوره‌ی مشروطه زبان شعر نیز تحت تأثیر قرار گرفت و متحول گردید. باری «زبان شعر این دوره اندک‌اندک به دلایلی به زبان کوچه و بازار نزدیک شده است.

مقایسه‌ی شعر سید اشرف با سروش اصفهانی کاملاً نشان می‌دهد که درصد قابل ملاحظه‌ای از واژگانی شعر سید اشرف برگرفته از زبان کوچه است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: صص ۴۰ و ۴۱)

به هر حال تحول در نثر و نظم هر دو مشاهده می‌شود و عوامل موجود آن را به وجود می‌آورد.

-همچنین رئالیسم ایرانی رنگ و صبغهی محلی و بومی دارد و نویسنده‌ی رئالیست از واقعیت موجود در محلی خاص سخن می‌گوید. چرا که «تحولات اجتماعی - فرهنگی دهه‌ی ۱۳۴۰ (اصطلاحات ارضی - طرح مسأله غرب زدگی و بازگشت به زندگی ساده و سنتی روستا) نویسندگان را وا داشت تا با دیدی تازه به مسایل زندگی روستایی بنگرند» (میرعابدینی، ۱۳۸۰: ص ۵۵)

مثلاً بیشتر داستانهای ساعدی مایه‌ای اقلیمی دارند عزاداران بیل، توپ و ترس و لرز (همان، ۱۳۸۰: ص ۵۰۹) و نویسندگانی چون: بزرگ علوی با گیله مرد، جمالزاده با شور آباد، جلال آل احمد با کتاب نفرین زمین، ناصر ایرانی با کتاب نور آباد و دهکده من، قباد آذر آئین، ابوالقاسم فقیری، بهرام حیدری، علی محمد افغانی و احمد محمود و...

کتابهای دیگر: «از خم چمبر» محمود دولت آبادی درباره‌ی رحیم آباد روستایی در خراسان و «آوسنه‌ی بابا سبحان» محمود دولت آبادی به عنوان رمان محلی درباره‌ی یکی از روستاهای خراسان است. همچنین داستان «داش آکل» بر اساس واقعه‌ای در شیراز نوشته شده» (میرصادقی، ۱۳۸۷: ص ۲۶۰) است. مسلماً این نوع برخورد با واقعیت در جامعه تأثیر خود را خواهد گذاشت و نویسنده‌ی رئالیست موفق خواهد شد زیرا در جهت درک مردم و برای مردم می‌نویسد و متناسب با میزان درک آنان سخن می‌گوید. همچنین وی با سخن گفتن از محلی خاص خطاهایش کمتر خواهد بود. البته قابل ذکر است که «شانفلوری رمان نویس طرفدار نوشتن رمان درباره زندگی در

روستاست.» (ولک، ۱۳۷۷: ص ۱۳) اما در ایران غلبه با این مورد است و اکثر رمانها محلی و بومی اند. از طرفی در جنب بیان صبغهی محلی و بومی مکتب واقع گرایی در ایران، بخش صنفی آن نیز مورد توجه است که بیشتر به صنف کشاورز و کارگر می پردازد؛ چراکه در یک دوره خاص در اثر تأثیر پذیری از انقلاب کمونیستی همسایهی شمالی ایران و تشکیل حزب توده در کشور ما، ادبیات کارگری و کشاورزی که از شعارهای زیر بنایی کمونیست ها بود وارد حوزه ی ادبی ما چه در نثر و چه در شعر گردید.

- در اروپا حوزه ی رئالیسم رمان بود ولی در ایران توجهی هم به حوزه ی شعر گردید برای مثال سید اشرف نسیم شمال، میرزا ابوالقاسم عارف قزوینی، به ویژه فرخی یزدی رئالیسم صنفی را وارد شعر کردند و توجه به مردم یکی از ویژگیهای شعر در عصر بیداری بود این ویژگیهای تمایل عمده در ادبیات عصر بیداری ایران وقتی در مجاورت انقلاب روسیه و تحت تأثیر اندیشه های کارگری حاکم و ادبیات بلشویکی قرار می گرفت با تأکید بر تضاد میان دو طبقه دارا و نادار و یا به تعبیر دیگر سرمایه دار و زحمتکش رنگ و بوی طرفداری از محرومان را به اصطلاح آن روز، کارگران و زحمتکشان را پیدا می کرد و آثار ادبی را نسبت به گروه های بالا و برخوردار جامعه، کینه دار و مهاجم نشان می داد. این خصلت ضد بورژوازی تقریباً می تواند صفت غالب شعر دوره ی مورد بحث به شمار آید» (یا حقی، ۱۳۸۵: صفحات ۱۸ و ۱۹)

- یکی از موضوعات زیر بنایی رئالیسم چه در نوع محلی و چه در نوع صنفی و چه در نوع اروپایی و ایرانی عدالت- خواهی و ستم ستیزی است. این مطلب از دیدگاه فلسفی و جامعه شناسی نیز در ادبیات جهانی مدخلیت برجسته ای دارد.

- در اروپا رئالیسم از نظر اجتماعی نتیجه ی انقلاب صنعتی و رنسانس بود، که نقد و گوشه ی چشمی هم به کلیسا داشت در حالی که در ایران چنین اتفاقاتی رخ

نداده بود بلکه فقط در اثر آشنایی ایرانیان با غرب به صورت تقلیدی همسو با انقلاب مشروطیت وارد ادبیات فارسی شد. (از تقریرات استاد دکتر ذاکری)

معرفی عده‌ای از رئالیست‌های ایرانی

استاد علی اکبر دهخدا «موضوع‌های روز و دردهای مشترک روزگار را با قشری که تمام عناصرش را از زبان محاوره مردمی اخذ می‌کند می‌نویسد.» (رحیمیان، ۱۳۸۵: ص ۲۱) او «بر خلاف بسیاری منتقدان و خرده‌گیران که تنها به ویران کردن بنیادهای فساد و بر انداختن نامردی‌ها و نشان دادن زشتیها بسنده می‌کنند و راضی نیستند دهخدا منتقدی است سازنده و خرده‌گیری راه‌نماینده و به عبارت بهتر ویران‌سازی است که از پیش تدارک استوار ساختن بنیادهای نو را دیده است. این خصوصیت را در تمام آثار قلمی دهخدا از اجتماعی و تحقیقی و در سخنان منظوم او می‌توان دید.» (دبیر سیاقی، ۱۳۸۲: ص ۳۶)

نویسنده‌ی رئالیست دیگر صادق هدایت است که «در مطاوی داستان (حاجی آقا) مکالمه‌ی شخصیت اول آن، حاجی آقا با آدمهای دیگر از قشرها و طبقات مختلف فرصتی به دست می‌دهد تا خواننده از مکنونات ضمیر آنها آگاهی یابد و البته عنصر «واقع‌نمایی» یا «حقیقت - ماندی» داستان چنان نیرومند است که بر روی هم خواننده داستان را باور می‌کند به ویژه «لحنی» که برای هر یک از شخصیتها به کار رفته است، خود در تقویت عنصر «واقع‌نمایی» تأثیری به سزا دارد.» (رحیمیان، ۱۳۸۵: ص ۱۶۳) می‌توان گفت: «بنیان‌گذار واقعی داستان نویسی و رمان بدون تردید نویسنده‌ی نامدار و بزرگ ایران صادق هدایت می‌باشد.» (آرین پور، ۱۳۸۰: ص ۵ مقدمه) گفته شده است: «باید از تأثیر داستانهای صادق هدایت و خصوصیات «بوف کور» او سخن گفت که گامی بلند در تثبیت رئالیسم و ظهور مدرنیسم در دهه‌ی ادبیات داستانی

۱۳۸۰: ص ۲۴۲)

در آثار رئالیستی انتقاد اهمیت بسیار دارد و «هدایت قریحه‌ای طبیعی برای انتقاد کردن داشت و می‌توانست چینه‌های سیاه و زشت زندگی را با حس تمیز بی‌مانندی نشان دهد.» (بهارلوییان، ۱۳۷۹: ص ۱۲)

البته «پیش از هدایت، جمال زاده با نگارش «یکی بود یکی نبود» سخنان مردم کوچه و بازار را به کار ادب گماشت که تازگی داشت» (همان، ۱۳۷۹: ص ۱۵۷) او دارای بیشترین آثار رئالیستی است. خود می‌گوید: «بیشتر آنچه تاکنون نوشته‌ام مربوط به گذشته بوده است.» (جمالزاده، ۱۳۸۱: ص ۱۹) مثلاً کتاب «سرو ته یک کرباس»، داستان و سرنوشت کودکی نویسنده و میدان حوادث آن شهر اصفهان زادگاه اوست. از ویژگیهای مهم این متن آمیختن نثر با نظم، لفظ قلم صحبت کردن و استفاده از فرهنگ عوام می‌باشد. از این رو «محمد علی جمالزاده نخستین نویسنده‌ی ایرانی است که با قصد و نیت آگاهانه صنعت داستان نویسی اروپایی را به کار گرفت و از سنت‌های کهن داستانسرایی ایران نیز استفاده کرد و اولین داستان کوتاه فارسی را پدید آورد. اولین مجموعه‌ی داستان او «یکی بود یکی نبود» را سرآغاز ادبیات واقع‌گرایی ایران دانسته‌اند.» (میرعابدینی، ۱۳۸۰: ص ۸۳)

نویسنده‌ی رئالیست دیگر غلامحسین ساعدی است. او «در ایران به عنوان نویسنده‌ی ادبیات روستایی» شناخته می‌شود... از جمله کتابهای داستانی وی «عزاداران بیل» نمونه‌ی عالی و موفق داستان روستایی ارزیابی شده و ظاهراً فیلم سینمایی پر فروش «گاو» بر اساس همین اثر ساخته آمد.» (رحیمیان، ۱۳۸۵: صص ۲۳۹ و ۲۴۰)

درباره‌ی نثر ساعدی گفته‌اند: «نثر ساعدی در تمام نوشته‌هایش به ویژه در عزاداران بیل نثری زنده و واقعی و عاری از یکنواختی ملال آور است و مخصوصاً عنصر «واقع‌نمایی» داستانها را همین زبان و عناصر سازنده‌ی آن تضمین می‌کند:

واقع‌گرایی پیروی کند.» (همان، ۱۳۸۶: ص ۲۱) همچنین «سبک چوبک در داستان‌های کوتاه نفتی، زیر چراغ قرمز، پیراهن زرشکی، موسیو الیاس و مردی در قفس رئالیستی است. (حسینی، ۱۳۸۶: ص ۲۲)

زبان او نیز محاوره‌ای است و عامیانه. «واقع‌گرایی حکم می‌کند که گفتار و اندیشه‌ی شخصیت‌های داستان باهمین زبان طبیعی تصویر شود و این کار ساده‌ای نیست، زبردستی و هنرمندی ویژه‌ای می‌خواهد.» (همان، ۱۳۸۶: ص ۲۵۲) چون در نوشته‌های رئالیستی طبقات فرودست مورد توجه قرار می‌گیرند، «چوبک تنها نویسنده‌ای است که زبان گداها را می‌دانست و با هنرمندی زبان آنان را قلم زد و در این عرصه هنوز هم بی‌نظیر مانده است. چوبک نشان داد که زبان اقشار فرودست با دیگر قشرها تفاوت دارد.» (همان، ۱۳۸۶: ص ۶۳)

گفته‌اند رئالیسم در نهایت به ناتورالیسم می‌کشد از اینرو «واقع‌نگری «چوبک» که هم در شکل و هم در محتواست باعث شده که بیش از هر نویسنده‌ی دیگری چوبک تکفیر قوی سرش بخورد!» (همان، ۱۳۸۶: ص ۲۴) در حالی که او طبیعت بشر را به هر زبانی بیان کرده آشکار می‌سازد.

نویسنده‌ی رئالیست دیگر محمد حجازی است با دیدی روشن و سپید و شاد طوری که آثار وی گویای افکار اوست و او را از سایر رئالیست‌ها ممتاز می‌سازد. وی در رمان «پروانه» می‌گوید: «تو به من عشق روحانی آموختی عشقی که غم و افسردگی و ناامیدی نمی‌داند و از بیوفایی و فراموشی نمی‌ترسد عشقی که از مهر و محبت و دوستی بی‌نیاز است و حتی به معشوق احتیاج ندارد... (حجازی، ۱۳۳۶: ص ۱۰۸)

نیز می‌توان نویسندگان رئالیست دیگری را نیز با خصوصیات کلامی آنان معرفی کرد و ویژگی‌های آنان را برشمرد.

نتیجه

انسانهای دردمند و دلسوز و آگاه نمی‌توانند نسبت به واقعیات موجود جامعه بی‌طرف و بی‌خیال باشند دیدن آلام و دردهای دیگران در روح حساس و مهربانشان تأثیر گذاشته آنان را وادار به سخن گفتن و بیان واقعیت میکند. نویسندگانی از این دست وقتی جوّ جامعه‌ی خود را مناسب می‌بینند از فرصت استفاده کرده آثار ارزشمند مشحون از واقعیت به ویژه واقعیت تلخ را می‌آفرینند.

از این رو مکتب رئالیسم اروپا در ایران نیز نمود پیدا می‌کند و بزرگان نویسنده در این باب قلم می‌زنند. عامل اصلی هدایت نویسندگان به این اصل در اروپای قرن ۱۸، زمینه‌های اجتماعی خطرناک و نگران ساز و رواج علم و فلسفه یعنی عامل آگاه سازی جامعه از طریق علمی بود. مجهولات بر مردم روشن می‌شد و این روشنفکری‌ها به بیان واقعیات کمک می‌کرد.

اما در جامعه‌ی ایران دلیل اصلی رواج رئالیسم و افکار رئالیستی مشروطه است؛ چرا که هر مرحله‌ی جدید تاریخی، بیان و ادبیات خاص خود را می‌طلبد. پس یأس عمومی از به نتیجه نرسیدن انقلاب مشروطه در نوشته‌ی بزرگان ادب رئالیست ظاهر می‌شود؛ چرا که با خود کامگی رضاشاه از سال ۱۳۱۲ انتقاد در ادبیات پدید می‌آید. رمانهای اجتماعی، زندان، کارگری و روستایی نوشته می‌شود و تقلید از غرب صورت می‌گیرد. البته مکتب واقع گرایی به شکل ترکیبی در ایران نوشته می‌شود. در این نوع از ادبیات واقع گرا، طبیعت آن گونه که هست مورد توجه قرار می‌گیرد و به پایین ترین افشار توجه می‌شود. این تحوّل ادبی، به علت رواج بحران سیاسی و اجتماعی روشنفکری صورت گرفت که منجر به روی کار آمدن طبقه‌ی بورژوا و عقب راندن حکومت خانها و توجه به ادبیات روستایی گردید. تأثیر انقلاب سوسیالیستی شوروی را هم باید در نظر گرفت که باعث به حرکت درآمدن روشنفکران چپی در ایران شد

و ادبیات کارگری و طرفداری از طبقه‌ی رنجکش شعار آنان بود. از عوامل دیگر می توان به جنگهای جهانی، آزادی خواهی در ایران و دنیا، اعتصاب کارگران و ملی شدن صنعت نفت اشاره کرد که این گونه مسایل راه را بر رواج ادبیات واقع گرا در ایران گشود.

- ۳۲- شفیعی کدکنی، (دکتر) محمد رضا، ۱۳۸۰، *ادوار شعر فارسی*، انتشارات سخن، تهران.
- ۳۳- شمیسا، (دکتر) سیروس، ۱۳۸۰، *انواع ادبی*، انتشارات فردوس، تهران.
- ۳۴- طباطبایی، سید محمد حسین، *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، انتشارات صدرا، قم.
- ۳۵- غینمی هلال، (دکتر) محمد، ۱۳۷۳، *ادبیات تطبیقی*، ترجمه‌ی دکتر سید مرتضی آیت الله زاده شیرازی، انتشارات امیر کبیر، تهران .
- ۳۶- فرزاد، (دکتر) عبدالحسین، ۱۳۷۶، *نقد ادبی*، نشر قطره، تهران .
- ۳۷- کابز، جی جی، ۱۳۷۹، *سبکها، مکتبها، جنبشها*، مترجم شهرزاد فتوحی، نشر فرآیند، تهران .
- ۳۸- کاخی، مرتضی، ۱۳۸۲، *صدای حیرت بیدار*، انتشارات مروارید، تهران .
- ۳۹- گرانت، دیمیان، ۱۳۸۵، *رئالیسم*، ترجمه حسن افشار، نشر مرکز، تهران .
- ۴۰- لوکاج، گئورک، ۱۳۷۳، *پژوهشی در رئالیسم اروپایی*، ترجمه‌ی اکبر افسری، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران .
- ۴۱- محمودی، حسن، ۱۳۸۱، *نقد و تحلیل و گزیده داستان‌های صادق چوبک*، نشر روزگار.
- ۴۲- میترا، ۱۳۵۳، *رئالیسم و ضد رئالیسم در ادبیات*، انتشارات نیل، تهران .
- ۴۳- میر صادقی، جمال، ۱۳۸۲، *داستان نویسه‌های نام آور معاصر ایران*، نشر اشاره، تهران .
- ۴۴- میر صادقی، جمال، ۱۳۸۷، *راهنمای داستان نویسی*، نشر سخن .
- ۴۵- میر صادقی، میمنت، ۱۳۸۲، *رمانهای معاصر فارسی*، انتشارات نیلوفر، تهران.
- ۴۶- میر عابدینی، حسن، ۱۳۸۰، *صد سال داستان نویسی در ایران*، نشر چشمه، تهران .
- ۴۷- وزین پور، (دکتر) نادر، ۱۳۸۰، *بر سمند سخن*، انتشارات فروغی، تهران .
- ۴۸- ولک، رنه، ۱۳۷۷، *تاریخ نقد جدید*، ترجمه‌ی سعید ارباب شیرانی، انتشارات

نیلوفر، تهران.

۴۹- یا حقی، (دکتر) محمدجعفر، ۱۳۸۵، جویبار لحظه‌ها، انتشارات جامی، تهران.